

فیلم کوتاه «خوانا بنویسید» به کارگردانی مرتضی علیراده به‌مناسبت هفته دفاع مقدس، امروز سه‌شنبه سوم مهر از شبکه سه سیما پخش می‌شود. فیلم کوتاه خوانا بنویسید به نویسندگی و کارگردانی مرتضی علیراده و تهیه‌کنندگی هاشم مسعودی و مجتبی احسانی که برنده جایزه بهترین فیلم اقتباسی از چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران شد، در کنداکتور پخش شبکه سه سیما قرار گرفت.مرتضی

«خوانا بنویسید» به شبکه سه می‌رود

دچار بحران شبه‌روشنفکری هستیم

امین زندگانی، بازیگر نقش فخرالدین سریال «طوبی» در گفت‌وگو با «جام جم» درباره چالش‌های ایفای این نقش، علاقه‌اش به قاب جادو و تناقضات فضای فرهنگی می‌گوید



زینب علیپور طهرانی گروه رسانه

«طوبی» روایتی از رنج‌ها و سختی‌هایی است که یک زن شجاع و مبارز می‌تواند در طول زندگی‌اش تحمل کند. مجموعه‌ای که از همان ابتدا به‌دلیل قصه و مضمون و محتوایی که داشت، توانست توجه مخاطبان را به خود جلب کند و با قصه طوبی همراه شوند و پرشی از زندگی این شخصیت را در مقاطع مختلف تاریخی به تماشا بنشینند. در این سریال بازیگران بسیاری حضور دارند. ازجمله امین زندگانی که همراه با طوبی در مسیر پرپیچ‌وخم زندگی با اتفاقات بسیاری مواجه می‌شود. او در طوبی نقش همسرش، فخرالدین را بازی می‌کند که تابعیت ایرانی- عراقی دارد و همراه با طوبی وارد مسیری می‌شود که پر از اتفاقات غیرمنتظره است، همین بهانه‌ای شد تا با امین زندگانی در پشت صحنه سریال کپ‌وگفتی پیرامون این نقش و کارهایی که انجام داده داشته باشیم. از این بازیگر نقش‌هایی در آثار سینمایی و تلویزیونی همچون ملک‌سلیمان، حبیب، طلسم‌شدگان، آهوی پیشونی‌سفید، خانه امن، ملکانوار، همسر، معصومیت از دست‌رفته، مختارنامه و… را به خاطر داریم. ماحصل گفت‌وگوی جام‌جم با وی را در ادامه می‌خوانید.

ذهنی و روحی مرا ارضا می‌کرد. وقتی بازیگر برهه‌ای را سپری می‌کند و در حال گذر از دهه‌های مختلف سنی‌اش است، اگر درست انتخاب نکند مسیرش به انتهای خوبی نمی‌رسد. روحیه‌ام این بود هر کاری که به من پیشنهاد می‌شد بدون در نظر گرفتن قبل و بعد از خودم، همیشه به‌عنوان یک فرصت به آن نگاه می‌کردم.

نقش فخرالدین در فیلم‌نامه اصلی بازه زمانی داشت؛ یعنی یک‌سری رفت‌وبرگشت‌ها داشتم و این کار بازیگر را سخت می‌کرد و او را به چالش می‌کشید؛ چون وقتی یکی روند ثابت دارد و حتی وقتی در تولید رج می‌زیند، یعنی ممکن است سکانس‌های سال‌ها بعد یا سال‌ها قبل را بگیرد، طراحی کاراکتر برای بازیگر قدری راحت‌تر است و نموداری دارد و می‌داند در این برهه از زمان این یا آن است؛ اما این فیلم‌نامه رفت‌وبرگشت زمانی و فلاش‌بک و فلاش‌فورارد زیادی داشت. بنابراین وقتی در شرایط تولید

قرار می‌گیرید، یک‌دست درآوردن و طراحی نقش کار را خیلی سخت می‌کند. وقتی چیدمان بازیگران به نتیجه نهایی رسید، دیدم که بسیار تیم خوبی بود و به‌نظرم طی این سال‌ها در تلویزیون چنین کستی هم نداشتم. حضور آقای آئیش به‌عنوان نقش حاج‌نعمت، آقای هومن برق‌نورد، آقای فرید قبادی و خانم فریبا منتخص همگی نوید این را می‌داد که تیم بازیگری دارد که قدر است. خانم شبنم قربانی که نقش طوبی را بازی می‌کند سال گذشته سیمرغ بلورین نقش مکمل گرفته بود و با یک انرژی بسیار خوب و یک دید مثبت سر صحنه می‌آمد. معمولا کسانی که از سینما به تلویزیون می‌آیند زاویه‌دیدشان برخلاف همه جا بالا به پایین است و تلویزیون را رسانه‌ای می‌بینند که جایگاه اجتماعی دارد، اما انگار جایگاه اعتباری ندارد که این از ناآگاهی است. در تمام دنیا تلویزیون، مخصوصا تلویزیون‌های امی اگر در بحث تولید سریال و محتوای فرهنگی ورود کنند، هنرمندان حضور در این آثار را غنیمت می‌شمارند؛ حتی کسانی که در سینما هستند. در بسیاری از کشورها بازیگران تلویزیون تمایلی به حضور در سینما ندارند و این قدر تلویزیون برایشان جایگاه بزرگ و بالاتری نیست به سینما دارد که ارزش خود را حفظ می‌کند. متأسفانه در عرصه فرهنگ ما که همیشه دچار بحران ظاهر وشنفکری و باطن بسیار کم‌عمق و ناشی از عدم آگاهی و دانش روز است،

علیراده که امسال فیلم «بی‌بدن» را به‌عنوان اولین فیلم بلند در کارنامه کارگردانی خود روی پرده سینماها داشت، پیش از این تجربه فیلم‌کوتاه خوانا بنویسید را با داستانی مرتبط با فعالیت منافقین در سال‌های جنگ تحمیلی کارگردانی کرده بود.این فیلم که به ناگفته‌های دفاع‌مقدس می‌پردازد، محصول مشترک انجمن سینمای جوانان ایران و سازمان هنری رسانه‌ای اوج با مشارکت شبکه سه تلویزیون تهیه و

این زاویه‌دید همیشه وجود داشته است. خانم قربانی با این دید ورود نکرد؛ یعنی گرفتن جایزه سیمرغ بلورین‌شان در کار فراموش شد.

پس برای شما حضور یک فیلمبردار حرفه‌ای و توانمند چون آقای زرین‌دست در انتخاب این پروژه تاثیر بسزایی داشت.

بله، چون تمام خروجی یک بازیگر نتیجه‌قاب‌بندی فیلمبردار، نما، نور و دکوپاژ کارگردان است و می‌تواند کمک‌کننده باشد یا لطمه بزند. همه اینها دست به دست هم داد که با تیم خوب گروه لباس و تیم خوب صحنه سریالی پخش شود که بعد از سال‌ها کامنت‌هایی به‌خونمان و احساس غرور و افتخار کنیم که تلویزیون دوباره بیننده خوب را به‌دست آورده است. انگار ما تلویزیون را فراموش کرده بودیم. این درحالی است که تلویزیون عضو از خانواده است.

تلویزیون در تبلیغات قبل از سریال جمله‌ای می‌گذازد که به‌نظرم باید عوض شود و این است که می‌گوید مهمان ما هستید؛ اتفاقا تلویزیون مهمان خانه‌هاست که باید این تبلیغ عوض شود و بگوید مهمان شما هستیم. تلویزیون از قدیم یک عضو و پای ثابت سفره خانه‌ها بوده و از وقتی خیلی‌ها آپارتمان‌نشین شدند، تلویزیون در گوشه‌ای رفت و تی‌وی روم برایش در نظر گرفته شد. مثل اتفاقی که الان بین خانواده‌ها افتاده و همه مدام در گوشی‌شان هستند. الان در کامنت‌ها می‌خوانم که می‌گویند بعد از سال‌ها دور هم جمع شدیم و با هم سریال نگاه می‌کنیم که به‌نظرم یک بزنگاه بسیار خوب است که امیدوارم مدیران سازمان بتوانند از آن بهترین بهره‌برداری راکنند. من فکر می‌کنم کاراکتر تلویزیون، یکی از اعضای خانواده است که می‌تواند همه را دور هم جمع کند و ما به این دوره هم جمع‌شدن نیاز داریم. این دوره هم جمع‌شدن یعنی وحدت خانواده، هم‌محله‌ای، هم‌شهری و ملت. الان جهانی نیست که بخواهیم خیلی به آن نگاه جامعه جهانی فکر کنیم؛ جهانی داریم که باید نگرانش باشیم؛ ولی حتی

کشورهای متمدن و پیشرفته فرامزی هرکدام به دنبال منافع خودشان هستند. به‌نظرم تلویزیون الان می‌تواند یک وحدت ملی بسیار ریشه‌ای و عمیق ایجاد کند؛ کم‌این‌که یک سریال توانست خارج از مرزهای ایران دیده شود و حتی تماشاگر با وجود شبکه‌های مختلف و هزاران امکان بصری دیگر سریال ما را از تلویویون ببیند. همه اینها نتیجه یک چیدمان خوب در تیم سازنده است که هم به آقای حسینی، هم به آقای سلطانی و هم به خودمان تبریک می‌گویم. همه بازیگران در جایگاه خودشان خیلی خوب درخشیدند.

با توجه به تجربه‌ای که در این سال‌ها پیدا کرده‌اید، فکر می‌کردید سریال تا این حد بگردد و مخاطب داشته باشد؟

من با اکثر دوستان سابقه همکاری داشتم و آنها را می‌شناختم و فقط بایکی دونه‌را از دوستان کار نکرده بودم و می‌دانستم کسانی که با آنها کار نکرده‌ایم، حیثیت و کار برایشان خیلی مهم است و بین سینما، تئاتر و تلویزیون فرق نمی‌گذارد و هر جا می‌روند می‌خواهند پله‌ای برای ابراز قدرت و توانمندی خودشان باشد که این اتفاق افتاد. حتی بازیگران جوانتر و کمتر دیده شده هم خیلی خوب کار کردند. به‌نظرم همه در سریال جای خود را پیدا کردند. وقتی قصه آغاز شد تبدیل به این شد که یک اتفاق بسیار خوب برای سریال طوبی بیفتد و من هم به‌عنوان یکی از اعضای تیم سازنده احساس کنم نقش فخرالدین هم باید برایم یکی از نقش‌هایی باشد که وقتی به پشت‌سرم نگاه کردم به آن افتخار کنم.

اشاره‌ای به کامنت‌ها داشتید. بازخورد مخاطبان چطور است؟

خیلی خوب؛ و نشان می‌دهد طبعاً سریال را می‌بینند. این از یک بابت خوشحال‌کننده است و از یک بابت، وقتی به دو سال پیش نگاه می‌کنم،

می‌بینم قاب تلویزیون همان است، من هم همان آدم هستم و کسانی هم که پشت دوربین کاری می‌کنند نیز همان آدم‌ها هستند. چرا دو سال پیش جماعتی خشک‌مکن بودند و غلط فکر می‌کردند و به خیلی از دوستان و همکارانم حمله کردند و الان که این اتفاق افتاد چقدر عموم مردم مهربانند؟ انتخاب دست ماست و وقتی درست فکر و نگاه کنیم، می‌بینیم این ما هستیم که باید تحت هر شرایطی روابط‌مان را با یکدیگر حفظ کنیم؛ یعنی هنرمند بدون بیننده و مردم‌زنده نخواهد بود و مردم هم بدون آثار هنرمندان دل‌مردانند. خوشحالم «طوبی» شعفی بین خانواده‌ها آورده است. چند شب پیش اتفاق جالبی برایم افتاد و وقتی ساعت ۱۰-۱۲ شب فیلم‌برداری به منزل برمی‌خشتم، متوجه شدم صدای تیتراژ در یکی از واحدهای همسایه می‌آید و صدای تلویزیون واحد دوم و واحد سوم هم بلند شد و هر سه واحد سریال طوبی را تماشا می‌کردند. خیلی برایم جالب بود که چهار واحد هم‌زمان یک سریال می‌بینند. این در ناخودآگاه جمعی مردم وحدت ایجاد می‌کند. مشکلات این قدر مردم را دچار گوشه‌نشینی کرده که از این باهم بودن و باهم لذت‌بردن غافل‌مانندند و خوشحالم که در مسیر عکس آن، قدمی برداشتیم و این اتفاق توسط سریال طوبی افتاد.

فخرالدین شخصیتی جالب دارد. نمی‌شود گفت کاملاً یک فرد انقلابی و مبارز است. ولی ویژگی‌هایی دارد که کمتر در سریال‌ها دیدیم. همیشه چنین فردی تمام زندگی‌اش وقف مبارزه و تفکرش شده و از زن و زندگی‌اش

برش

روی موج بازیگری افتادم

زندگانی تجربه کارگردانی در تئاتر را هم داشته است، از او می‌پرسم قصد ندارد حضور جدی در این عرصه را ادامه دهد که به جام‌جم می‌گوید: چهار سال قبل کاری به نام «کتاب» ساختم که دو بار هم از تلویزیون پخش شد و یک کار تاریخی بود. اصلا دغدغه من بازیگری نبود و زمانی که وارد این عرصه شدم، برای ساخت فیلم و کارگردانی آمدم. ۲۳ ساله بودم و جوان‌ترین کارگردان جشنواره فجر سال ۲۴ شدم. در بخش مسابقه از هجوم تماشاگر برای کارم در تالار مولوی شکست. اما روی موج بازیگری افتادم و این کار را ادامه دادم.

تولید شده و مسعود سخاوت‌دوست آهنگسازی این کار را در دست داشته است. حمیدرضا هدایتی، آرش ماهان‌کیا، آتا حسینی، مریم قاسمی و پژمان سرمایه‌خواه در این فیلم به ایفای نقش پرداختند. در خلاصه داستان آن آمده است: «اسماعیل که نامه‌رسان ستاد اسراست با نامه‌ای مواجه شده که با رساندن آن دچار چالش می‌شود.» خوانا بنویسید ساعت ۱۹:۳۰ از شبکه سه سیما پخش می‌شود.



غافل شده یا این که چهره دیگری از آن فرد می‌بینیم؛ ولی فخرالدین همه چیز را کنار هم دارد. همسرداری، پدر بودن و تفکرات و اعتقادات دینی‌اش را کنار هم دارد و این کاراکتر را ملموس‌تر می‌کند. این خصلت در فیلم‌نامه شکل گرفته بود یا در تعاملاتی که با کارگردان و نویسنده داشتید به آن رسیدید؟

تبعاً همه این موارد بود؛ اما مسأله این است که گویش را بازیگر انتخاب می‌کند. نمی‌توانم متنی را که فارسی نوشته شده، با زبان آلمانی حرف بزنم و قاعداً همه به هم کمک می‌کنند؛ ولی گویش مال بازیگر است. خیلی با آقای سلطانی صحبت کردیم و خود قصه هم این را می‌گفت. فخرالدین شاید یکی از هزاران نفری

است که در حاشیه سیاست همیشه حضور داشته است. اصولاً ما مردم سیاست‌زده‌ای هستیم؛ یعنی زمانی تلگرام و اینستاگرام ما تاکسی‌ها بودند و اخبار این چنینی را در تاکسی‌ها می‌شنیدیم و همه دهان به دهان می‌چرخید و فضای مجازی مان تاکسی‌ها بودند و بعدها وارد گوشی‌ها شد. فخرالدین آدمی است که برای خودش یک خط‌مشی و خط فکری دارد، اما تعادل را رعایت می‌کند و حتی چند جاقبل از ازدواج به طوبی می‌گوید چون خبر دیگران را می‌خواهم، برایم مهم نیست درباره‌ام چه فکر می‌کنند و من این طور بزرگ شدم و این طور یاد گرفته‌ام؛ پس تصمیم درست را می‌گیرم. در طول سریال هم می‌بینیم که اگر دیگران تصمیم غلطی گرفتند، فخرالدین است که سعی می‌کند مشکلات را سرو سامان بدهد. ولی باز هم مشکل بعدی او را باشکست مواجه می‌کند تا این‌درام شکل بگیرد.

فخرالدین از آن آدم‌هاست که از توانمندی‌های زیستی‌اش در کار سیاسی استفاده می‌کند؛ اما یک تندرو سیاسی نیست و آدم معتدلی است و تصویری‌کند حتی برای رنده‌گاه داشتن تفکرش اول باید خودش رنده باشد. اگر از نگاه ایدئولوژیک بنگریم، فخرالدین به نوعی نماد تقیه است؛ یعنی اگر در جایی لازم باشد اعتقاد قلبی‌اش را حفظ می‌کند، ولی بر اساس ظاهر یا اگر از ضرب‌المثل‌های فارسی استفاده کنیم می‌شود: «خواهی نشوی رسوا، هرمنگ جماعت شو»؛ در جایی هرمنگ جماعت می‌شود، اما خلش را می‌رود. این به معنی نیست که هدف وسیله را توجیه کند؛ یعنی فخرالدین یک انسان ماکیاولیست نیست که بخواهد بر این اساس کار کند؛ بلکه ایدئولوژی دارد که ایدئولوژی صلح، دوستی و عشق است و اعتقاداتش، اعتقادات احترام به خانواده و نشأت‌گرفته از همین اعتقادات، این نگاه را نسبت به خانواده و هموطنانی دارد که شاید یک‌گش به‌سمت آنها رفته است، متولد عراق است، اماصل وریشه‌اش ایرانی است. این لبه خط راه رفتن قدری سخت بود؛ یعنی اگر این در متن خوب رعایت نمی‌شد، کار را سخت می‌کرد.

پس همان طور که اشاره کردیم با تمام این جزئیات کاملاً شخصیت از کار درآمده و از تیپ مبارز فاصله گرفته است.

بله. این ناشی از مثلث نویسنده، کارگردان و بازیگر است که هرکدام

رخ

زید قهرمان فرزند شوبخ خزانه‌دار



امین زندگانی تجربه بازی در نقش‌های تاریخی بسیاری را در رزومه کاری خود دارد. از جمله حضورش در فیلم «ملک سلیمان» و همچنین در مجموعه «معصومیت از دست رفته» در نقش زید، فرزند ماریا و شوبخ که در سال‌های دور این نقش را بازی کرده بود. زندگانی به‌واسطه چهره و فیزیکی که دارد بسیار مناسب بازی در چنین نقش‌هایی است. او در این سریال در کنار زنده‌یاد امین تارخ حضور پیدا کرد. همچنین بازیگران بزرگی در این مجموعه ایفای نقش کرده بودند. یکی از سکانس‌های این سریال و بازی زندگانی مربوط به زمانی است که به همراه عروسیش کشته شده و روح ماریا نیز در کنار آنها قرار می‌گیرد. زندگانی در این سکانس هم حضور خوبی داشت. گرچه مضمون اصلی سریال مربوط به شخصیت شوبخ، ماریا و اتفاقات دوران خاص تاریخی اسلام بود، اما حضور بازیگران جوانی چون زندگانی هم در قالب نقش‌هایی که به آنها سپرده شده بود، به چشم می‌آمد. از این رو زندگانی یکی دیگر از نقش‌های ماندگار تاریخی‌اش را در این سریال ایفا کرد.

سیما

حضور ماندگار در قامت مسلم‌بن عقیل



یکی از نقش‌های ماندگار که امین زندگانی تاکنون ایفا کرده، نقش مسلم‌بن عقیل در مجموعه «مختارنامه» است. مجموعه‌ای که برای کارگردانش هم اثری ماندگار محسوب می‌شود. زندگانی این نقش را به‌گونه‌ای بازی کرد که خیلی‌ها تا مدت‌ها او را با همین نقش به‌یاد می‌آورند. خودش در گفت‌وگویی عنوان کرده بود: حضور در سریال مختارنامه در نقش حضرت مسلم‌بن عقیل سعادت و اتفاق بزرگی بود که نصیب من شد. ابتدا خیلی ترساک بود؛ به‌دلیل این که خیلی از افراد از این شخصیت تصویر درست و کاملی در ذهن خود داشتند، چرا که یک روز از دهه محرم به نام ایشان است. همچنین داستان این بزرگوار را در تعزیه‌های زیادی دیدن و سینه به سینه و به‌صورت شفاهی شنیدند، این که این تصویر چقدر می‌تواند به بازی من نزدیک باشد و خدای ناکرده لطمه‌ای به آن نزتم، برایم ترسناک بود و این ترس با من بود تا زمان پخش سریال که به لطف خدا و با بازخورد از سوی مردم نقش موثر واقع شد. زندگانی در «ملک سلیمان» هم نقش یکی از پیامبران را بازی کرد که نشان از تبحر او در این زمینه دارد.

سکانس

آوارگی به خاطر یک آدم زنده

در یکی از سکانس‌های سریال «طوبی» فخرالدین با بازی امین زندگانی سراسیمه وارد خانه می‌شود و دیالوگ‌هایی با طوبی با بازی شبنم قربانی دارد.

فخرالدین درباره مردی به نام جهانگیر ثابتی می‌گوید که هنوز زنده است و طوبی از شنیدن خبر زنده بودن این شخصیت متعجب می‌شود و می‌گوید

که ما این همه سال به خاطر زنده بودن یک آدم بی‌جهت آواره شدیم؟

